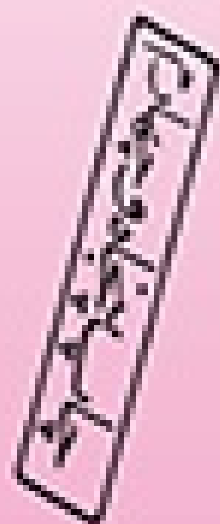


گیرنده:

آنان که از کهنه پرستی بیزارند

آنان که قایل به آزادی اندیشه و انتخاب اند

آنان که حجاب را دوست ندارند

و البته آنان که حقیقتاً جویای حقیقت اند

نامه‌ای می‌خواهم...

فرستنده: مشهد - بولوار سازمان آب

مقابل بازار گوهر شاد - پلاک ۱۰۴

تلفن: ۷۶۵۳۹۳۳ - ۰۹۱۵۴۴۴۳۸۱۰

مؤسسه فرهنگی راه روشن



بسم الله الرحمن الرحیم

نامه ای به خواهرم

نویسنده:

مهدی عدالتیان

ناشر چاپی:

شاملو

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نامه ای به خواهرم

مشخصات کتاب

سرشناسه:عدالتیان، مهدی، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور:نامه ای به خواهرم/ مولف مهدی عدالتیان.

مشخصات نشر:مشهد: شاملو، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری:۴۶ ص.: جدول؛ ۱۱× ۱۲ س م.

شابک:۳۶۰۰ریال : ۹۶۴۷۴۸۸۱۴۹ ؛ ۳۶۰۰ ریال: (چاپ سوم) ؛ ۵۰۰۰ ریال : چاپ هفتم : ۹۶۴۹۶۲۸۵۱۷ ؛ ۵۰۰۰ریال (چاپ شانزدهم) ؛ ۵۰۰۰ ریال: (چاپ هجدهم)

یادداشت:چاپ سوم: دی ۱۳۸۲.

یادداشت:چاپ هفتم: مرداد ۱۳۸۵.

یادداشت:چاپ شانزدهم: خرداد ۱۳۸۵.

یادداشت:چاپ هجدهم: مرداد ۱۳۸۵.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:حجاب.

رده بندی کنگره:BP۲۳۰/۱۷/ع۶ن۳۶ ۲ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی:م ۸۲-۱۵۲۷۷

ص: ۱

معرفی

به نام پروردگار زیباییها

بررسی مهمترین پرسشها در مورد پوشش بانوان

نامهای به خواهرم

مهدی عدالتیان

انتشارات خانه پژوهش

ص:۳

به نام خدای مهربان و آگاهی بخش

خواهرم سلام، نامهات را خواندم.

نوشته بودی:

... من نمی خواهم ناآگاهانه مثل مادرانم حجاب داشته باشم. نمی خواهم کهنه پرست باشم، نمی خواهم تحقیر شوم، نمی خواهم از دیگران کمتر باشم، نمی خواهم بدون انگیزه و هدف کاری را که پدر و مادرم می گویند انجام دهم... .

اصلاً کجای قرآن نوشته که زن باید حجاب داشته باشد؟

چرا مردان هرکاری دلشان می خواهد می کنند و همه ی محدودیت ها برای زنان در نظر گرفته شده؟

چرا نمی گذارند همه آزاد باشند تا مسأله عادی و طبیعی شود و دیگر هیچ حساسیتی وجود نداشته باشد؟ شما آنقدر سخت گرفته اید که حتی اگر زنی در خانه اش تنها باشد و بخواهد نماز بخواند، می گویید در حال نماز باید

ص:۵

حجاب داشته باشد. مگر خدا مرد است که باید از او هم رو گرفت؟!

اصلاً می خواهم بدانم بی حجاب بودن من چه ضرری برای دیگران دارد؟ من هر طور دلم بخواهد لباس می پوشم و آرایش می کنم، این به دیگران چه ربطی دارد؟ من که به قصد ایجاد انحراف و فساد آرایش نمی کنم.

از این گذشته، چرا به مردها نمی گویید نگاه نکنند، و زن ها باید خود را بپوشانند...

البته تصور نکن من بی دین و کافر هستم. باور کن من هم مثل تو خدا را قبول دارم، قرآن را قبول دارم، خیلی هم مؤمن هستم و اصلاً نمی خواهم که خدا از من ناراضی باشد، قدرناشناس هم نیستم، می دانم خدا چقدر به من نعمت داده، غرق در نعمت های او هستم و دوست دارم هر روز به او نزدیک تر شوم و او را از خود راضی تر کنم، در مسائل دقت کنم، آنها را بفهمم و آن طور که درست است زندگی کنم نه آن طور که به من تحمیل می کنند. من می گویم وقتی این همه خانم بی حجاب هست، حجاب داشتن من چه فایده ای دارد؟ اگر قرار است کسی از بی حجابی من منحرف شود و به دامن گناه بیفتد، به فرض که به گناه بیافتد، پس چه فرقی می کند من با حجاب باشم یا بی حجاب؟

از همه ی این ها گذشته چرا این قدر سختگیری!؟ چرا

ص:۶

حتی یک تار موی زن هم نباید بیرون باشد؟ می خواهم بدانم این یک تار مو چه ضرری دارد؟ چه فسادی ایجاد می کند؟

تو باید به من حق بدهی. آخر من با چه انگیزه ای می توانم حجاب داشته باشم و چگونه خودم را قانع کنم؟! ...

آری، نامهات را خواندم.

راستش اول خیلی تمایل نداشتم پاسخی بنویسم اما برخی از عبارات نامهات مرا وادار کرد تا دست به قلم ببرم و پاسخی هر چند مختصر برایت بنویسم.

منظورم این عبارتهاست :

من نمیخواهم ناآگاهانه حرکت کنم... .

من قرآن را قبول دارم... . من دوست دارم خدا از من راضی باشد... .

در دل گفتم حقایق را برایت مینویسم، اگر واقعاً دنبال آگاهی و رضای خدا باشی دربارهی آنها فکر میکنی، به قرآن مراجعه میکنی و وقتی دیدی حرفهایم مستند به قرآن و حکم عقل است، آنها را میپذیری. اما اگر در حقیقت دنبال رضای خدا و آگاهی نباشی...

نه معذرت میخواهم؛ چرا نباشی؟ چرا نخواهی حق را قبول کنی ؟ مگر همهی دنیا و آنچه در دنیاست چه قدر

ارزش دارد که برای خاطر چند روزهی دنیا بخواهیم عقل و فهم و ایمان خود را زیر پا بگذاریم؟

من مطمئنم تو صرفاً میخواهی بفهمی و طبق فهم و درک خودت رفتار کنی و به همین جهت مصمّم شدم پاسخِ نامهات را بنویسم.

برای این که پاسخ تو روشنتر بیان شود، همهی حرفهای تو را در ده نکته خلاصه کردم. اینها را برایت مینویسم و یک به یک به آنها پاسخ میدهم، به این امید که مطالبم را به دقت بخوانی و در عین بیطرفی و انصاف در آنها دقت کنی و هر کدام را حق یافتی بپذیری.

۱- بی حجابی خانم ها چه ضرری برای دیگران دارد؟

۲- آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده ؟

۳- چه انگیزه ای می تواند برای حفظ پوشش وجود داشته باشد؟ و به عبارت دیگر فلسفه و حکمت پوشش چیست؟

۴- چرا به مردان نمی گویند نگاه نکنید، تا زنان مجبور نباشند خود را بپوشانند؟

۵- چرا مردان مجازند هرکاری می خواهند بکنند و هرگونه می خواهند لباس بپوشند، اما زنان باید پوشش را رعایت کنند؟

۶- درست است که من پوشش را رعایت نمی کنم و با آرایش و لباس های شیک بیرون می آیم، اما قصد ترویج انحراف و فساد ندارم.

۷- با بودن بی حجاب های فراوان که در هر حال اثر خود را می گذارند، رعایت کردن و نکردن من چه تفاوتی دارد؟

۸- اگر همه ی زنان آزاد باشند مسأله طبیعی و عادی می شود.

۹- چرا حتی یک تارموی خانم ها نباید آشکار باشد؟ یک تار مو چه ضرری دارد؟

۱۰- چرا یک خانم وقتی در یک خانه ی خلوت هم نماز می خواند باید پوشش را رعایت کند؟

اما پاسخ :

۱- بی حجابی خانم ها چه ضرری برای دیگران دارد ؟

پاسخ این سؤال را با سخن یکی از بزرگان آغاز میکنم که میگوید:

اسلام میخواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد. اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد .بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر

ص:۹

که کار و فعالیت را با لذت جوییهای جنسی به هم میآمیزد. اسلام میخواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.(۱)

به نظر تو اگر محیط کار، درس، تحقیق، آزمایش و تولید کالاهای مختلف محیطی خالی از زمینههای وسوسهی شیطان و دور از نگاههای آلوده و سخنهای غرضآلود باشد میزان موفقیت بیشتر است، یا هنگامی که توجه هرکسی در این محیطها به جنس مخالف باشد؟

نداشتن پوشش مناسب بانوان و مهارنکردن نگاه آقایان و اختلاط زن و مرد در محیطهای مختلف فعالیتهای اجتماعی به قدری آثار زیانبار دارد که اگر کمی در آنها دقت شود، قطعاً هیچ زن و مرد متعهد و دلسوز جامعه حاضر نیست به چنین وضعی راضی شود.

خواهرم، من یقین دارم تو اگر در آنچه برایت مینویسم دقت کنی و متوجه شوی با عدم رعایت پوشش مناسب چه صدمات جدی و مهمی به افراد و جامعه وارد میشود، هرگز حاضر نیستی در این جرائم سهیم باشی. من به طور خلاصه برخی از ضررهای رعایت نکردن پوشش بانوان را برایت مینویسم :

الف - برهم خوردن آسایش روانی

هنگامی که مردان و زنان درجامعه با حالتی برانگیزاننده

۱- مسأله حجاب، شهید مطهری، ص۶۸

ظـاهر و هر لحظه بـا صـحنهای وسوسـهگر مواجه شونـد، هوسـها و امیال نفسانی در افراد جامعه بیـدار شـده و از آنجا که نفس انسان با رسـیدن به یک هوس سـیر نمیشود و این هوسـبازی همچون شعلهی آتشی میماند که هر چه هیزم به آن برسد فروزانتر میشود، و از طرفی همهی هوسها پاسخ خود را نمییابد و نمیتواند بیابد، فشارهای عصبی و هیجانات روحی کمکم زیاد میشود و نتیجهی آن در شکل استرس، نگرانی، تفرق حواس، بداخلاقی و ... ظاهر میشود.

ب - سست شدن بنیاد خانواده

مردی که هر روز دههـا زن آرایش کرده و بیحجـاب را میبینـد و در محیط کار و در مسـیر حرکت با آنان مواجه میشود، بویژه هنگامی که لبخنـد و سـخنان صـمیمی و دلنشـین آنان را میبینـد و میشـنود، وقتی به خانه میرود از مشاهـدهی همسـرخود که از زحمات کار روزانه خسـته و غبار گرفته است لذت نمیبرد. در این صورت کافی است که از تعهد و تقوی هم کم بهره باشد تا همسـر خود را با آن بانوان مقایسه کنـد و در نتیجه از زنـدگی خود دلسـرد گردد و زمینهی انحراف و کژروی و احیاناً جـدایی فراهم شود. بارها در جراید خوانده یا از اشـخاص شنیدهایم که آقایی با خانمی که در محیط کار یا تحصیل او ازدواج کرده و به تقاضای او، همسر قبلی خود را طلاق داده است.

ص:۱۱

افزایش طلاق، افزایش تعداد کودکان فراری و خیابانی، کثرت فرزندان نامشروع که ناشی از اختلافات خانوادگی و بیمیلی زن و شوهر نسبت به ادامه زندگی است قابل انکار نیست و بیشتر این موارد ریشه در توجه به زنان و مردان کوچه و خیابان و محل کار دارد.

خواهرم ،

تو تصور میکنی چرا جوانان امروز کمتر میل به ازدواج دارند؟ در قدیم که محیط عمومی از خودنمایی زنان محفوظتر بود، شیرینترین آرزوی جوانان ازدواج بود و در سنین ابتدایی بلوغ، جوانان به سراغ ازدواج میرفتند. اما متاسفانه امروز میبینیم برخی از جوانان زمانی که نشاط و شور دارند به کامجویی از دختران و زنان بیحجاب مشغول اند و زمانی ازدواج میکنند که زن را تنها برای خدمتکاری و خلاصی از اصرار والدین به ازدواج میخواهند و نشاطی برای زندگی ندارند.

راستی اگر این همه صحنههای برانگیزاننده و چهرهها و آرایشهای گوناگون را نمیدیدند باز هم چنین بود؟ چه کسی باید خسارت ازهم پاشیدگی خانوادهها، دربهدری فرزندان، افزایش اضطراب و فشارهای عصبی و تبعات این وضع را بپردازد؟

آیا خانمی که با عدم رعایت پوشش لازم و یا لباسها و زینتها و آرایشهای مهیج در کوچه و خیابان و محل کار ظاهر میشود متوجه آثار عمل خود هست؟ و آیا ممکن است عامدانه چنین کند؟

ج- تضعیف فعالیت های اقتصادی و فرهنگی در جامعه

خواهرم، از تو میپرسم:

در کارگاهی که همه مرد باشند یا همه زن، کارها بهتر و با دقت بیشتر انجام میشود، یا آنجا که دائم توجه مردی معطوف قیافهی خانمی آراسته باشد و بالعکس؟

آیا در کلاسی که پسر و دختر در فکر ارتباط با یکدیگر و مشاهدهی طرز لباس پوشیدن و راه رفتن و حرف زدن یکدیگر هستند بیشتر تحصیل علم و کمال میشود یا آنجا که افراد همجنس در یک کلاس هستند و تمام توجه معطوف درس و استاد است؟!

بسیار روشن است که اختلاط زن و مرد و عدم رعایت پوشش لازم از سوی برخی زنان و نیز روحیهی هوسرانی برخی مردان، ذهنها را مشغول میکند و بازده کارها را کاهش میدهد. علاوه بر این، بارها اتفاق افتاده جوانی که با علاقه مشغول فعالیت اقتصادی شده یا با اشتیاق مشغول تحصیل بوده با مشاهدهی زنان و دختران جوانی که بدون پوشش صحیح و با خودنمایی و جلوه فروشیهای مسموم در جامعه ظاهر شدهاند تحریک شده و به وادی هرزگی و پوچی درغلتیده و درس و کار را رها کرده و سر از زندان یا مراکز فساد و اعتیاد درآورده است. آیا جبران خسارت ضایع شدن عمر این جوانها کار سادهای است؟ و آیا ضرری که از این ویرانگریهای

فکری و فرهنگی متوجه جامعه میشود خسارتی ناچیز و قابل جبران است؟

د- افزایش ناامنی و خیانت :

سارقان همیشه در پی سرقت و تصاحب اموال دیگران هستند، اما هنگامی که شخصی بیاحتیاطی میکند و مثلاً در خودرو خود را باز میگذارد یا درب منزل را نمیبندد و یا طلا، جواهرات و پول خود را در معرض دید قرار میدهد بیشتر در معرض دستبرد قرار میگیرد چرا که سارقان زمینه را برای فعالیت خود مهیاتر میبینند.

همین طور افراد بیمار دل و کسانی که دنبال هوسرانی و کامجویی هستند، وقتی خانمی را میبینند که پوشش لازم را ندارد و یا در مکانهای عمومی با آرایش و لباسهای برانگیزاننده حضور پیدا کرده، بیشتر تحریک میشوند، به او تعرض میکنند و با ایجاد مزاحمتهای مختلف به اذیت و آزار میپردازند تا آنجا که آبرو و حتی جان چنین خانمهایی بارها به دست این گونه افراد به خطر افتاده است.

اگر پروندهی جانیانی که با عنوانهایی نظیر خفاش شب، گروه عقرب، گروه باغ آلو و ... محاکمه شده اند را مرور کنی میبینی تقریباً تمام کسانی که به دام اینان افتاده و پس از تحمل آزارهای فراوان جان خود را از دست داده اند، خانمهایی بوده اند که پوشش لازم و خداپسند را

نداشته اند. و متاسفانه اینگونه قربانیان حوادث ناگوار کم نیستند و شک ندارم که اکثر آن قربانیان هرگز نه قصد ایجاد ناامنی در جامعه داشته اند و نه از جان خود سیر شده بودند، بلکه به گمان خود میخواستند با لباس و آرایش مورد علاقه خود در کوچه و خیابان ظاهر شوند. غافل از اینکه این کار چه نتایج تأسفباری به دنبال دارد. تداوم چنین مسائلی باعث افزایش ناامنی و فساد در جامعه و از بین رفتن آسایش فردی و اجتماعی خواهد شد.

ه- کم شدن ارزش و احترام زن در خانواده و جامعه :

هنگامی که زنان در جامعه خودآرایی و خودنمایی نکنند و زینت و آرایش و دلربایی را به محیط خانواده محدود کرده، ویژهی همسران خود قرار دهند، هر مردی برای همسر خود ارزش و احترام لازم را قائل است و نعمت زیبایی وسیلهای برای گرمی زندگی و حفظ حرمت همسران میشود. اما زمانی که این کار همگانی شود و هر مردی به راحتی از دهها زن در کوچه و خیابان با نگاه و ارتباط نادرست بهره برد، دیگر حرمت جایگاه زنان و نقش اصلی امتیازات واقعی آنان به فراموشی سپرده خواهد شد و زنان تنها وسیلهای میشوند برای کامجویی مردان. و در چنین شرایطی است که ممکن است مردی در کمال بیانصافی و نمک نشناسی به همسر خود بگوید : «زن، هرچه بخواهم در کوچه و خیابان ریخته است».

چه زشت است این تعبیر، و چه سنگین است جرم کسانی

ص:۱۵

که سبب میشوند ارزش زن تا این حد پایین بیاید.

و از این دردناکتر سوء استفادهی پول پرستان و دنیا طلبان از دختران و زنان و تبدیل کردن آنان به کالا ـ و بلکه کمتر از کالاست.

چقدر تأسفآور است که میبینیم برای فروش یک مجله و به دست آوردن پول بیشتر، از چاپ عکس یک خانم روی جلد آن استفاده میکنند و برای جلب مشتری بیشتر فروشندهی خانم در فروشگاه میگذارند و برای افزایش تماشاچیان یک فیلم کسانی را که حاضرند خودنمایی بیشتر کنند به کار میگیرند. آیا این استفادهی ابزاری از زن توهین به مقام زن نیست، و آیا زنانی که خود را از نگاه دیگران حفظ نمیکنند باعث این بیحرمتیها نسبت به خود و دیگر زنان نشده اند؟

موضوع ابزار شدن زنان و استفاده از چهره و زیبایی آنان به حدی گسترش یافته که گاهی در جرایم میخوانیم حتی زنانی که به نظر میرسد، انسانهایی هنرمند، مفید و آگاهی بخش هستند، خود به این حقیقت تلخ اعتراف میکنند.

به این عبارات که اعترافات یک هنرپیشهی معروف سینماست توجه کن :

من خودم را ستاره به معنی کسی که فروش یک فیلم را تضمین کند نمی دانم. منتقدان مطبوعات

ص:۱۶

و نشریات در نقد فیلم های من زیاد به بازیهایم توجه نمی کنند. این روزها احساس بدی به من دست داده است. خیلی بد است که یک بازیگر به این نتیجه برسد که تماشاگران صرفاً برای دیدن چهره اش به سینما می آیند نه به خاطر بازی اش. خودم به این نتیجه تلخ رسیده ام که باید در بازی هایم تجدید نظر کنم...(۱)

آری این نتیجه بسیار تلخ است که به جای توجه به هنر، علم، تلاش و فعالیتهای صحیح و رشدآور، توجه جامعه به چهرهها و هوسرانیها معطوف شود، اما باید پاسخ این سؤال را بیابیم که چه کسانی به این سوءاستفادهها و این بیحرمتیها دامن میزنند و چه شیوهی پوشش و حضوری زمینهساز این تلخیهاست؟

آیا اگر زنان جز با رعایت پوشش و وقار لازم حاضر به حضور در اجتماع نباشند و از عشوه گری و برخوردهای سبکسرانه و وسوسهانگیز پرهیز کنند و اجازهی استفاده ابزاری از خود را به دیگران ندهند، باز هم این رویدادهای تلخ تکرار میشود؟

حال میپردازیم به دومین نکتهای که مطرح کرده بودی :

۲- آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده ؟

بله، اتفاقاً بحث لزوم پوشش بانوان از مواردی است که با صراحت و روشنی در قرآن آمده است.

۱- روزنامه خراسان: دوشنبه ۲۶/۶/۸۰

در دو مورد، مسألهی پوشش در قرآن مطرح شده : یکی در سورهی نور، آیات ۳۰ و ۳۱ و دیگری در سورهی احزاب آیهی ۵۹.

البته بر اهمیت عفت و پاکدامنی و حفظ حرمت اجتماع، به طرق مختلف و مکرر در قرآن تاکید است اما کیفیت پوشش بانوان در دو مورد به روشنی بیان شده است. من مضمون آیات ۳۰ و ۳۱ سورهی نور را به طور خلاصه برایت مینویسم، ولی خودت میتوانی به تفاسیر مراجعه کنی و بیشتر در مورد این آیات مطالعه کنی.

در این آیات این نکتهها مطرح شده :

الف - تذکر به مردان در باب پرهیز از نگاه حرام و رعایت پاکدامنی.

ب- تذکر به زنان در باب پرهیز از نگاه حرام و رعایت پاکدامنی.

ج- نهی زنان از آشکار نمودن زینت ها.

د- پوشاندن گردن و سینه، با روسری یا مقنعه.

ه- ذکر موارد استثناء از حکم پوشش.

و- پرهیز از خود نمایی و جلب توجه نامحرمان.

از این نکات آنچه بیشتر مربوط به بحث ماست نکات سوم و چهارم است، برای همین به بررسی بیشتر این دو

نکته میپردازیم.

نهی زنان از آشکار نمودن زینت

در بخشی از آیه میخوانیم : «وَ لایُبدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا ما ظَهَرَ مِنهَا» یعنی نباید زنان زینتهای خود را آشکار نمایند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است. واژهی زینت در لغت چیزی است که موجب آراستگی است.

در کهنترین متون لغوی میخوانیم که: «الزین نقیض الشّین... و الزّینه جامع لکل مایتزین به» زیبایی نقیض زشتی است... و زینت، آنچه را به واسطهی آن آراستگی حاصل آید در بر دارد.(۱)

پس در حقیقت زینت عبارت است از نیکویی در هر چیزی، خواه عرضی باشد یا ذاتی. بنابراین زینت در زن، هر چیزی است که در شمار زیباییها و آراستگیها و نیکوییها آید.

بنابراین میتوانیم زینتها را چنین تقسیم بندی کنیم:

طبیعی: مانند موی سر

زینت مصنوعی

ص:۱۹

۱- العین/ خلیل بن احمد فراهیدی

رنگ : مانند آنچه با لوازم آرایشی بر روی صورت انجام میشود.

مصنوعی - لباس: مانند برخی روسریها که رنگ و نقش جالب توجه و تحریک کننده دارند. زیور: مانند النگو و گردنبند

اکنون که مفهوم زینت روشن شد باز هم آیه شریفه را مرور میکنیم :

«آنان نباید زینت خود را آشکار سازند»

با توجه به مصادیق زینت و مثالهایی که زدم، بروشنی از آیهی شریفه استفاده میشود که خداوند اجازه نداده است زینت زن یعنی موی سر او، آرایش صورت، لباسهای مهیج و زیور آلات او برای نامحرمان آشکار باشد. اما در ادامهی آیه میفرماید «اِلاّ ما ظَهَرَ مِنهَا» جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است.

که این استثناء با توجه به نکاتی که در روایات ما و نیز تفاسیر بعضی از عالمان دینی آمده است، شامل گردی صورت (مقداری که در وضو شسته میشود) و دستها از مچ تا سر انگشتان میشود. این از زینتهای طبیعی؛ اما از زینتهای مصنوعی هم چیزهایی نظیر حلقه ازدواج که هدف از داشتن آن اعلام تأهل و ازدواج است و به قصد جلب توجه نامحرمان نیست از قاعدهی پوشیدگی مستثنی شده. پس غیر از این قسمتها بقیه بدن و زینتها

ر ابايد از نامحرمان پوشاند.

اما نکتهی بعدی، یعنی :

پوشاندن گردن و سینه به وسیله ی روسری یا مقنعه

در ادامهی آیه میخواینم «وَ لِیَضرِبَنَّ بِخُمرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ»

واژهی «خمر» جمع «خمار» در اصل به معنی پوشش است ولی معمولاً ـ به چیزی گفته میشود که زنان با آن سر خود را میپوشانند (روسری یا مقنعه). «جیوب» جمع «جیب» به معنی یقهی پیراهن است که از آن به گریبان تعبیر میشود و گاه به قسمت بالای سینه (به تناسب مجاورت با آن) نیز اطلاق میشود.

زنان قبل از نزول آیه، دامنهی روسری خود را به شانهها یا پشت سر میافکندند، به طوری که گردن و کمی از سینهی آنها نمایان میشد و خداوند با فرستادن این آیه دستور داد: زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است پوشیده باشد.(۱)

پس میبینی که بحث پوشش بانوان و کیفیت آن به صراحت و روشنی در آیات قرآن مطرح شده و اکنون که فهمیدی رعایت پوشش خواست خداوند عزیزمان است،

۱- برای توضیح بیشتر دربارهی مفهوم و لغات آیه شریفه میتوانی به تفاسیر مختلف عربی و فارسی از جمله تفسیر نمونه جلد ۱۴ مراجعه کنی.

به توضیح نسبت به فلسفه و حکمت آن میپردازم.

۳- حکمت و انگیزههای پوشش :

خواهرم، پرسیدهای من به چه انگیزهای پوشش داشته باشم و چرا از انواع لباسهای باب روز و آرایش استفاده نکنم؟

من معتقدم اگر خودت دقایقی را به این کار اختصاص دهی و با خودت خلوت کنی و دربارهی این موضوع بیندیشی انگیزههای ارزشمندی پیدا میکنی. در واقع ارزشش را دارد آدم برای گزینش یک شیوهی زندگی صحیح وقت صرف کند. چرا که زندگی به منزلهی جادهای است که در آن روان هستیم، هر روز، هر هفته و هرماه مقداری از این مسیر طی میشود و راه بازگشتی هم نداریم. تاکنون از چند مرحله عبور کردهایم؛ نوزادی، کودکی، نوجوانی، و همین طور در حال گذر و حرکت هستیم. آیا سزاوار نیست ساعتی فکر کنیم و جهتی را انتخاب کنیم که به ترکستان نباشد؟!

به نظر من هر بانوی مسلمان میتواند به انگیزههایی که برایت مینویسم پوشش مناسب داشته و حضورش در جامعه حضوری سالم و مفید باشد .

ابراز صداقت در دوستی با خداوند:

لابد تو هم بارها شاهد بودهای که افرادی به خودت یا

دیگران اظهـار دوستی و علاقه و ارادت کرده و گاهی از الفاظی نظیر چاکرم، مخلصم، فـدایت شوم و ... اسـتفاده کرده انـد اما فرض کن روزی به یکی از این افراد بگویی من مبلغی پول لازم دارم، در جواب بگوید: «شرمنده ام، اتفاقاً من میخواستم همین درخواست را از شما بکنم.»

روز دیگر به او بگویی اگر ممکن است فلان کتـاب را به من امانت بـده بخوانم، بگویـد : «اتفاقاً خودم تصـمیم گرفتهام آن را مطالعه کنم.» بار دیگر و بار دیگر، هر بار از انجام خواستهات سرباز زند و تنها به همان چاکرم و فدایت شوم اکتفا کند.

قضاوت تو دربارهی او چیست؟

آیا در دل نمیگویی این چه دوستی است که از زبان فراتر نمیرود و هیچ نمودی در خارج ندارد؟

اکنون دربارهی رابطه خود با خـدا بیندیش ما به خدای مهربانمان اظهار بندگی و اطاعت و دوستی میکنیم، اما نشانهی صداقت در این دوستی انجام کاری است که او میپسندد.

بهترین انگیزه برای پوشش تو همین است که بخواهی به پروردگار خودت، خالق و رازق و فریادرس و بهترین دوست خودت، اظهار محبت کنی و صداقت خود را با گردن نهادن به خواستهی او ثابت کنی.

ص:۲۳

شکر نعمت سلامتی و زیبایی

وقتی انسان سری به بیمارستان میزنـد و بیمارانی را میبینـد که از نعمت سـلامتی محرومند. جوانهایی را میبیند که چگونه روی تختها افتاده و در آرزوی روزی هسـتند که بتوانند با پای خود به محیط خانواده و جامعه بازگردند آنگاه متوجه نعمت سلامتی میشود.

این سـلامتی و زیبـایی که از بزرگترین نعمتهای خداونـد است تشـکر، لازم دارد و حـداقل تشـکر و سپاسـگزاری این است که بوسیله همان نعمت با بخشندهی نعمت مخالفت و معصیت نکند.

خواهرم این بـار که در آینه نگـاه میکنی لحظـاتی بـا خود بینـدیش چه کسـی این چشـمهای زیبـا را به من داده است، این همه ظرافت، دقت! راستی اگر این چشمها نباشند زندگی من چقدر متفاوت میشود؟ آیا انصاف است با همین نعمتها با دشمن خدا، (شیطان) همکاری کنم و خواستهی بخشندهی این نعمتها را نادیده بگیرم؟!

خواهرم تقاضا دارم با حوصـلهی بیشتر به این عبارات دقت کنی. اگر روزی همراه فرزنـدت از راهی عبور کنی چند کودك را ببینی که مشـغول بازی هسـتند، از سبد سیبی که داری به هر کدام سیبی بدهی ولی آنها نه تنها از تو تشکر نکنند بلکه کمی از سیبها را خورده و باقیماندهی آنرا به سر و صورت فرزندت بزنند و او را مجروح کنند

قضاوت تو در مورد آنها چیست؟

خداوند سبحان که فرزند ندارد، اما مردم بندگان خدا و خانوادهی او هستند؛ اگر خانمی به جای شکر نعمت زیبایی و سلامتی، سبب بیماری روحی و آسیب دیدن باطن و روان بندگان خدا شود و آنان را از راه سعادت و کمال منحرف کند و به بیراهه، هواپرستی و شهوترانی بکشاند، چنین فردی چه تفاوتی با آن کودکان ناسپاس دارد؟

آری، شکر نعمتِ زیبایی و سلامتی، انگیزهی مهم دیگری برای رعایت پوشش خداپسندانه است..

خلع سلاح شیطان

شیطان که دشمن قسم خوردهی ما انسانهاست، همواره در صدد فریبکاری و ضربه زدن به ماست. او در پی زمینههایی میگردد که بهتر بتواند انسانها را فریب دهد. برای همین است که میبینی وقتی پای پول، مقام، شهرت و منافع در میان است انسانها بیشتر فریب شیطان را میخورند و میلغزند زیرا در این گونه موقعیتها شیطان فعالیت و وسوسه گری خود را افزایش میدهد و میکوشد ایمان انسان را برباید. حال اگر ما سبب شویم شیطان در کار خود موفق شود، به جای اینکه یاور خدا و دین خدا باشیم، خواسته یا ناخواسته یاور شیطان شدهایم. و شکی نیست که نداشتن پوشش مناسب و آرایش و

خودنمایی زنان از بهترین دامها و وسائل وسوسه شیطان و فریبکاری اوست. چه بسیار پاکانی که تسلیم زر و زور نشدهاند ولی شیطان آنان را از طریق زنانی بیتوجه و خام، زمین زده و از بهشت برین به جهنم کشانده است.

آری، بیجهت نیست که پیامبر عزیزمان فرمودند:

«النظر سهم مسموم من سهام ابلیس»، نگاه حرام تیر زهرآلود شیطان است.

یعنی همان گونه که یک شکارچی اگر نتواند آهوی تیزپایی را شکار کند، با پرتاب تیری او را ضعیف و حرکت او را کُند میکند و آن گاه بسرعت خود را به او میرساند و او را میگیرد.

همین طور وقتی شیطان میخواهد دختر یا پسری با ایمان و متعهد را اسیر خود کند ولی مقاومت او را میبیند، ابتدا او را وسوسه میکند تا با چشمش خیانت کند و با ترغیب او به نگاه حرام، نیروی ایمان را در وجود او تضعیف میکند و کمکم او را به دام خود میاندازد.

میخواهم نتیجه بگیرم یکی از انگیزههای قوی حفظ پوشش و عفاف و وقار، این است که هر بانوی مسلمان و معتقد این سلاح را از شیطان میگیرد و او را از خود ناامید میکند و اجازه نمیدهد شیطان از او سوء استفاده کند و او را در دام گرفتار نماید.

ص:۲۶

تحصیل امنیت فردی و اجتماعی

خانمی که پوشش صحیح ندارد و خودآرایی میکند، افراد مریض و مغرض را متوجه خود میکند و طبیعی است که چنین افرادی مزاحمتهایی برای او ایجاد میکنند و کمکم با شیوع این برخوردها، ناامنی در جامعه گسترش مییابد. همان گونه که قبلاً اشاره کردم اغلب اسیدپاشیها، آدمرباییها، تعرضها و بیحرمتیها نسبت به خانمهایی صورت گرفته و میگیرد که از پوشش خوب و وقار لازم برخوردار نبوده اند. پس میشود ادعا کرد حفظ امنیت فردی و اجتماعی هم از جمله انگیزههای قوی حفظ پوشش است.

شریک نشدن در جرم و تقصیر دیگران :

برخی از خانمهایی که با پوشش مهیج و آرایشهای توجهبرانگیز درکوچه و خیابان حاضر میشوند میگویند: «ما نه خود اهل هرزگی و خیانت به همسرانمان هستیم و نه به افراد فاسد اجازه میدهیم که معترض ما شوند و حتی با ما صحبت کنند؛ پس ما در عین حال که پوشش لازم را نداریم و هرگز اجازه نمیدهیم از ما سوء استفاده شود و یا به دام افراد شیاد و فرصت طلب بیفتیم.»

باید به چنین بانوانی گفت وقار و متانت شما در مقابل نامحرمان ستودنی و ارزشمند است اما از دو نکته نباید غافل شد.

پیش از هر چیز، وقتی فهمیدیم پوشش بانوان خواست خداوند و فرمان اوست، در هر حال باید مطیع

او باشیم؛ خواه زمینهی سوء استفاده شیاطین فراهم باشد خواه نباشد. دوم اینکه گاهی اتفاق میافتد مثلاً جوانی با دیدن یک خانم که پوشش مناسب ندارد و با سرو وضعی برانگیزاننده در خیابان حاضر شده، تحت تاثیر وسوسههای شیطانی قرار گیرد و بخواهد مزاحمتی برای آن خانم ایجاد کند اما با برخوردهای تند او مواجه شود و برگردد. ولی این طوفان درونی او را به حال خود نمیگذارد و باعث میشود او به سراغ دیگری برود و برای بقیه مزاحمت ایجاد کند. فریب خوردن دختری جوان و جدا شدن او از خانواده، درگیری و ضرب و شتم و گاهی فجایع دیگر، همه وهمه پیامدهای این وضیعت اند. عامل اصلی این خطاها و خسارتها، اولین خانمی است که با وضع نادرست خود، زمینه ساز این وسوسهها و اشتباهات شده است. گاهی این اشتباهات به خطاهای بزرگتر و بزرگتر منجر میشود و جرمی بسیار سنگین پدید میآید و صد البته، مسئولیت عمدهی این وضعیت بر دوش مسبب اصلی و عامل اول است.

بگذار خاطرهی تلخی را برایت بازگو کنم که هرگز آن را فراموش نمیکنم: جوانی پس از درد دل کردنهای مفصل با من، میگفت : «هر گناهی که شما تصور کنید از من سرزده و آغاز همهی این انحرافات دیدن یک منظرهی مهیج و تحریک کننده بود.»

خواهرم، خوب بیندیش؛ اگر آن منظره، ظاهر خانمی

ص:۲۸

بیاحتیـاط باشـد که بـا لباس و آرایش خاص خود این جوان را در معرض سـیل وسوسـههای شـیطانی قرار داده، چقـدر جرم او سنگین است و در چه گناهـان بزرگی شـریک شـده، در حالی که خود از همه جا بیخبر، در دل میگویـد من که به کار کسـی کار ندارم و به راه خودم میروم.

پس گاهی رعایت نکردن پوشش و نداشتن وقار لازم انسان را شریک جرم دیگران قرار میدهد.

آثار دیگر :

علاوه بر آنچه برایت نوشـتم ، رعـایت پوشـش منـاسب برای هر بـانوی مسـلمان آثـار و برکـات جانبی دیگری هم دارد؛ مانند تشویق دیگران به بنـدگی خدا و رعایت خواست او. زیرا در هر جامعهای میتوان مردم را به سه دسـته تقسـیم کرد: دسـتهی اول کسانی هستند که خوبند و در خوبی خود محکم و پابرجا هستند.

دسـته دوم بَـدان و افراد نـادرستی که در خطاکـاری خـود پابرجـا و ثـابت قدمانـد، و این دو دسـته همیشه در اقلیت هسـتند. اما اکثریت افراد هر جـامعه که دسـتهی سوم را تشـکیل میدهنـد تـابع وضع موجود د شـرایط حاکم هسـتند. اگر خوبیها رواج یابد ایشان هم تبعیت میکنند و اگر رسمها و قواعد نادرستی در جامعه عرضه شود، از همان پیروی میکنند. بنابراین کسانی که راه و رسمی را در

جامعه نشر میدهند در چگونگی رفتار سایر افراد دخیل هستند، چه آن راه و رسم خوب باشد چه بد.

پیامبر عزیزمان میفرماید : «هرکس سنت و روش حسنهای را رواج دهد که پس از او دیگران از آن تبعیت کنند، با عمل خوب هر نفر ثوابی هم به آغازگر آن سنت حسنه داده میشود بدون اینکه از پاداش انجام دهندهی عمل کم شود و هرکس سنت و روش نادرستی را در جامعه رواج دهد و دیگران از او تبعیت نمایند با عمل هر کس، یک گناه هم در نامهی عمل آغازگر آن خطا و خلاف نوشته میشود بدون آنکه از گناه انجامدهنده آن چیزی کم شود.» در مورد بحث ما هم باید اذعان کرد رعایت کنندهی پوشش مناسب، از پاداش تشویق دیگران به این عمل خدا پسند بهره مند است.

بگذار اضافه کنم از آثار این عمل ارزشمند تقویت اراده و مبارزه با نفس است.

میدانی که یکی از حالات نفس انسان، نفس اماره نامیده میشود که همواره انسان را به بدیها وا میدارد. برخی گفتهاند کسی که به خواست نفس خود عمل کند و به فرمان او و از فرمان خداوند سرپیچی کند، مانند شخصی است که بچه گرگی را از بیابان گرفته و چون نوزاد هر حیوانی دوست داشتنی است به او غذا میدهدو با او بازی میکند؛ غافل از آنکه هر لقمهای که به او میدهد دشمن خطرناکی را میپروراند که وقتی قوی

ص:۳۰

شـد اول خود او را از بین میبرد. خـانمی که گرچه میـل باطنی و خواست نفسانی او خودنمایی و آراسـتگی در مقابل نامحرمان است امـا برای خـدا و جلب رضای او با خواست نفس خود مبارزه و پوشـش لازم را رعایت میکنـد به تدریـج از ارادهای قوی برخوردار میشود و در سـایر امور هم میتوانـد بر اسـاس عقـل و طبق فرمانهـای خـدای مهربـان عمل نمایـد. چنین انسانی راحتتر میتواند سایر غرایز مانند ریاستطلبی و حرص و طمع را در وجود خود مهار کند.

۴- چرا به مردان نمی گویند نگاه نکنید، تا زنان مجبور نباشند خود را بپوشانند؟

میـدانم حالاـ که به این بخش نـامه رسـیدهای دیگر این سؤال برای تو مطرح نیست زیرا ملاـحظه کردهـای که نه تنها به مردان تذکر داده شده، بلکه قبل از هر سخنی و در اولین جمله بر همین نکته تأکید شده است.

در سورهی مبارکهی نور، آنجا که خداونـد میخواهـد به زنان توصـیه کند پوشـش لازم را در مقابل نامحرم داشـته باشـید ابتدا درمورد نگاه مردان توصیه نموده و به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید:

قل للمومنین یغضوا من ابصارهم

ای پیامبر به مردان مومن بگو نگاه خود را کوتاه نموده و به حرام چشم ندوزند.

اما بـدیهی است نمیشود تنها به این تـذکر اکتفا نمود بلکه بایـد زمینههای نگاه حرام هم برچیده شود. همانگونه که برای حفظ امنیت اموال یک جامعه نمیتوان تنها به مردم توصـیه نمود که چشم به اموال دیگران نداشـته باشـید و در ملک دیگران تصـرف نکنیـد بلکه بایـد علاوه بر این توصـیه، اشـیاء ارزشـمند را از دسترس دور نگه داشت و از آنهـا مراقبت نمود، این است که در فرمانهـای الهی که تنهـا ضـامن حفـظ سـلامت و امنیت شـخص و جامعه است، هر دو جهت رعایت شـده و دسـتور لازم هم به مردان و هم به زنان داده شده است.

۵- چرا مردان مجازند هرکاری می خواهند بکنند و هرگونه می خواهند لباس بپوشند اما زنان باید پوشش را رعایت کنند؟

در پاسخ این سؤال باید بگویيم اینطور نیست که مردان هیچ تکلیفی نداشته باشند و هرگونه لباسی بپوشند از منظر دین بیاشکال باشـد، بلکه چون هـدف تمـام این دسـتورات، حفظ حرمت اجتماع و تأمین امنیت جسـمی و روحی جامعه و پیشگیری از نفوذ شیطـان و افکـار شـیطانی در میـان انسانهـاست، اگر مردی بدانـد حضور او در جـامعه بـا وضـعیتی خاص ماننـد پوشـیدن لباس آستینکوتاه یا آرایش و پیرایش او، دیگران را به گناه وا میدارد باید از آن وضعیت اجتناب کند.

اما علت اینکه کمتر به مردان در مورد پوشش تذکر داده

ص:۳۲

شـده است این است که خداونـد زیبایی و جاذبه را در وجود زن قرار داده و مردان عموماً آنچنان تهیـج کننده نیسـتند که لازم باشـد کاملاً خود را بپوشاننـد پس دسـتور پوشـش به تناسب جاذبه و زیبایی داده شـده. شاهد این مدعا این است که میبینیم در طول تاریخ غالباً زنها صـید و مردان صـیاد بوده اند و همواره در ادبیات و قصـهها و اشعار از جاذبه و زیبایی زنان سخن به میان آمده، ولی هرگز شاعری به توصیف زیباییهای جسمانی هیچ مردی نپرداخته است. پس ملاحظه میکنی که هرگز مسأله تبعیض بین زن و مرد مطرح نیست بلکه خداونـد حکیم بر اسـاس واقعیتهـا و ویژگیهای جسـمانی و حالات روحی زن و مرد برای آنان تکالیفی را معین فرموده است. اما در بخشی از نامهات نوشتهای :

۶- من که قصد ایجاد انحراف و فساد ندارم!

خواهرم! برایم نوشتهای : گرچه من با آرایش و لباسهای شیک بیرون میآیم، هرگز قصد ایجاد انحراف فساد ندارم.

قبل از اظهار نظر در مورد این حرفت چند سؤال دارم:

اگر پس از یـک روز پرکـار و خسـته کننـده بخواهی به استراحت بپردازی اما همسایه صـدای تلویزیون را بلنـد کنـد فقط برای اینکه خودش این طور دوست دارد و از صـدای بلنـد خوشـش میآید و به هیچ وجه هم قصد مردم آزاری نداشـته باشد، صدای تلویزیون او مزاحم

استراحت تو نیست؟!

آیا هنگامی که در یک روز سرد زمستان سوار تاکسی شدهای تا به مقصدی بروی و به دلیل سرما شیشهها هم بالاست، مسافر کنار تو سیگاری را روشن کند و مشغول کشیدن شود و در همین حال ضمن عذر خواهی بگوید: «من برای این که گرم شوم سیگار میکشم»، دیگر دود سیگار به سلامتی تو آسیبی نمیرساند و ازا ین وضع ناراحت نمیشوی؟! و بالاخره اگر کسی که بتازگی عصایی خریده و نمیداند آن عصا چقدر محکم است، به قصد آزمودن عصا آن را در سر دیگری بکوبد، آسیبی به آن شخص نمیرسدً؟

پس میتوانیم نتیجه بگیریم که «خطر» علیرغم «قصد سوء نداشتن» از بین نمیرود، باید«عامل خطر» را از بین برد. اما میرسیم به آنجا که بر این نکته انگشت گذاشتهای :

۷- این همه بی حجابی :

نوشته بودی با بودن بی حجاب های فراوان که در هر حال اثر خود را می گذارند، رعایت کردن و نکردن من چه تفاوتی دارد؟

من معتقدم حتی اگر همهی خانمهایی که در کوچه و خیابان هستند رعایت پوشش را ننمایند باز هم تو دلائل کافی برای حفظ پوشش خداپسندانه داری.

ص:۳۴

اول اینکه تو مسؤول گناهان صورت گرفته نباشی :

هرکس مرتکب خطایی شود، خود مسؤول است و باید در دادگاه الهی پاسخگو باشد.

اگر کسی به نحوی باخبر شود که امشب چند سارق قصد دارند از منزل همسایهاش که به مسافرت رفته سرقت کنند و یقین داشته باشد حتماً امشب قالیهای همسایه به سرقت میرود و در دل بگوید در هرحال که فرشهای همسایه از دستش میرود، پس من خودم آنها را برمیدارم و قبل از دزدها به خانهی همسایه بروم و فرشها را به منزل خود انتقال دهد، قضاوت تو دربارهی کار این شخص چیست؟ و اگر بگویی او که در هر حال فرشها را از دست میداد، کار من چه ضرر بیشتری برای او داشت، پاسخ تو چیست؟

آیا نمیگویی بله، در هر حال فرشها میرفت اما آن که باید پاسخگو باشد متفاوت است. اگر سارقان میبردند آنان گرفتار میشدند و بایست خسارت میدادند ولی اکنون تو مسؤول این خسارت هستی.

در بحث پوشش هم، درست است که با بودن افراد بیحجاب، جوانهایی به انحراف کشانده میشوند ولی اگر تو پوشیدگی را رعایت نکنی در مسؤولیت انحراف و مفاسد ایجاد شده سهیم خواهی بود.

ص:۳۵

اما دومین دلیل: حفظ ارزش ها

اگر هنگامی که در جامعه دروغ زیاد شد، افراد راستگو هم بگویند با این همه دروغ، راستگویی ما چه فایده دارد و آنان هم به دروغگویان بپیوندند، و با افزایش خیانت، امانت داران هم به آنان ملحق شوند و با فراوان شدن کسانی که که رعایت پوشش صحیح را نمیکنند دیگران هم به آنان اقتدا نمایند، دیگر ارزشها در جامعه کمرنگ میشود و نسل جدید با ارزشهایی مانند راستگویی، امانتداری و... بیگانه میشود. پس یکی از انگیزههای مهم عمل به درستیها، حتی در شرایطی که کمتر به آنها توجه میشود، حفظ ارزشهاست و اگر کسانی که به این ارزشها عمل میکنند از موضع خود عقب ننشینند و استقامت نمایند، امید هست علاوه بر حفظ ارزشها، دیگران هم به آنان بپیوندند و کمکم صفات پسندیده در جامعه رواج یابد. میرسیم به سومین دلیل که از نظر من مهمترین دلیل است:

اطاعت از پروردگار و محترم شمردن دستور خداوند:

حتماً میدانی که حکم خداوند با بیتوجهی برخی افراد و حتی عمل نکردن همهی انسانها از بین نمیرود . پس هر چند خیلیها به مسأله پوشش که دستور و خواست خداوند است بیتوجه باشند، باز این برنامهی قرآنی به قوت خود باقی است و باید به آن احترام گذاشت.

نکتهی دیگری که مطرح کردهای این است:

ص:۳۶

۸- اگر همه زن ها آزاد باشند مسأله طبیعی و عادی می شود.

خواهرم! پیشتر از دیگران هم شنیده بودم که اگر در جامعهی ما هم گناه و بیبندو باری آزاد باشد، این مسائل عادی میشود و این قدر مردم حریص گناه نخواهند بود.

البته من هم با «عادی شدن» موافقم اما به نظر من در آن صورت دو چیز طبیعی و عادی میشود.

الف: مرحله ای از گناه و فساد عادی می شود و افراد به دنبال مرحله ی جدیدی می روند نه اینکه فساد به کلی تعطیل شود.

برای جوانی که سیگار به وفور در اختیارش باشد ممکن است سیگار کشیدن عادی شود اما درا ین صورت به مواد مخدر قویتر روی میآورد.

همان گونه که در جامعهی ما، وقتی پیدا بودن قسمت کمی از جلوی موی سر خانمها عادی شد و هیچ کس از دیدن آن تعجب نکرد، باز شدن یقهها، کوتاه شدن مانتوها، بالا رفتن آستینها و مراحل بعد آغاز شد. پس عادی شدن به معنی تمام شدن خطا و خلاف نیست بلکه انتقال به مرحلهی خطرناکتر و پرفسادتر است.

ب : عادی شدن آثار و عواقب گناه :

تصور کن خانمی به دیدن دوستش رفته و با لحنی حاکی از تعجب به دوستش میگوید چرا کبریت، چرخ گوشت

و کارد را قایم کردهای و در قسمتهای دور از دسترس آشپزخانه گذاشتهای .

در منزل ما که این چیزها در دسترس است و همه چیز هم برای بچهها عادی شده، آنقدر اینها را دیدهاند که برایشان کاملاً طبیعی است اما پس از چند دقیقه که دوستش از او میپرسد چرا فرهاد کوچولو را با خودت نیاوردهای میگوید، همین دیروز انگشتانش را توی چرخ گوشت فرو کرده بود، بردمش بیمارستان. و وقتی از او احوال مژگان را میپرسد میگوید او هم با کارد انگشتش را قطع کرده و بر روی تختی کنار فرهاد در بیمارستان بستری است. موقع رفتن، زمانی که دوستش میگوید ببخشید جمعهی آینده مجلسی داریم، اگر اشکالی ندارد، قالی اتاق پذیراییتان را یک روزه به ما امانت بدهید، شرمسارانه میگوید شرمندهام، همین هفته قبل بچهها با کبریت بازی میکردند، گل وسط قالی را سوزاندهاند.

یعنی در حالی که به عواقب خطرناک در دسترس بودن، آزاد بودن، اعتراف میکند در همان حال از عادی شدن سخن میگوید. پس آنچه عادی شده، مشاهدهی عواقب کار خلاف است.

خواهرم، واقعیتها و آمار و گزارشها حاکی از این است که در جوامع غربی، همآنجاهایی که ما گمان میکنیم برهنه بودن و آزاد بودنِ ارتباطاتِ زن و مرد، عادی است و بر این اساس هیچ معضلی ندارند، فساد و

تباهی و تجاوز به حقوق و حدود یکدیگر روز افزون است و از عادی شدن به معنی پایان خطا و خلاف هرگز خبری نیست. کافی است به قصد تحقیق تعدادی روزنامه و مجله را ورق بزنی تا از آثار شوم این عادی شدنها آگاهتر شوی.

من دو، سه گزارش از چند روزنامهی متعلق به چند سال پیش برایت مینویسم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

ـبه گزارش تحقیقاتی که از سوی اداره ی مطالعات جمعیت انگلیس تهیه گردیده است، در سه ماهه ی آخر سال گذشته میلادی بیش از ۳۱درصد از کودکانی که در مناطق انگلیس به دنیا آمده اند پدر مشخص نداشته اند.(۱)ـ

ـشبکه ی تلویزیونی سی.ان در گزارش خود می گوید: ۵۰درصد کودکان در آمریکا را اطفال نامشروع تشکیل می هند و شمار خانواده هایی که قربانی طلاق شده اند نیز رو به افزایش است.(۲) ـ

ـتلویزیون سی.ان فیلم های کوتاهی از حمله به دختران و زن ها و کمک خواستن آنان از مردم و پلیس را نشان داد و اضافه کرد که حقیقتاً کار جرم و جنایت در جامعه ی آمریکا به مراحل حاد کشیده شده است، به طوری که آمار قتل، تعرض جنسی، دزدی و انواع شرارت ها روزـ

۱- کیهان: ۴/۴/۷۱

۲- کیهان: ۷/۴/۷۱

ـبه روز در شـهرهای آمریکا افزایش می یابـد و پلیس که قادر به جلوگیری از این جرایم نیست، به زنان و دختران توصـیه می کند سـلاح گرم یا سـرد یا سرنگ های مختلف محتوی داروی بیهوشی همراه خود داشته باشند تا بتوانند در برابر حملات افراد شرور از خود دفاع کنند.(۱)ـ

خوب، با تمام این اوصاف، میخواهم پاسخ بخشی از نامهات را بدهم که پرسیدهای :

۹- چرا حتی یک تار موی خانم ها نباید آشکار باشد؟

برای فهم پاسخ این سؤال دو نکته حائز اهمیت است.

الف: تمام احکام الهی که بر اساس حکمت و برای خیر و مصـلحت ما وضع شده است، در کم و زیاد باید رعایت شود. به این مثال دقت کن: خون نجس است، یک سـطل خون نجس است، یک کاسـهی خون، یک اسـتکان، یک قاشق و حتی یک سـر سوزن خون هم نجس است.

سرقت مال مردم حرام است و در این مسأله تفاوتی بین یک کیسه گنـدم و یک مشت گنـدم وجود ندارد. حتی برداشـتن یک دانه گندم هم بدون رضایت صاحبش حرام است.

غذا خوردن برای شخص روزه دار در ماه مبارک رمضان حرام است و روزه را باطل میکند. حتی اگر یک دانه

۱- کیهان: ۹/۳/۷۰

برنج را عمداً فرو دهد، روزهاش باطل میشود.

مسأله پوشش هم همین طور است و وقتی ظاهر بودن موهای سر در مقابل نامحرم حرام است، چه تمام سر چه کمی از آن و چه حتی یک تار مو هم حرام است.

ب: تمام کارهای خطا و نادرست از کم شروع میشود و اصولاً شیطان بسیار با حوصله و پرطاقت است. ابتدا گناه و خطای بسیار کوچکی را پیشنهاد میکند و هنگامی که جواب مثبت شنید قدم بعدی را برمیدارد. خواهرم! از خودت میپرسم: اگر روزی ببینی فرزند کوچکت میخواهد فقط یک پک به سیگار بزند چرا او را منع میکنی؟ مگر یک پک سیگار چقدر ضرر دارد؟ حتماً میگویی مسأله یک پک نیست. بعد از آن هوس میکند یک سیگار بکشد و بعد یک بسته، و پس از مدتی دنبال منقل و وافور خواهد بود.

آری درست فهمیدهای، در مقابل هر چه نادرست و خطاست باید از اولین قدم ایستاد و از همان اندک پرهیز نمود، وگرنه قدمهای بعدی ناگزیر برداشته خواهد شد چه ضرب المثل پر محتوایی است که میگوید :

تخم مرغ دزد شتر دزد می شود.

حال میپردازم به آخرین نکتهای که علامت سؤالی را در ذهن تو شکل داده بود: پ

۱۰- در خانه ی خلوت و پوشش ؟!

نوشته بودی : چرا وقتی خانمی می خواهد نماز بخواند حتی اگر در خانه ی خلوت هم باشد باید پوشش را رعایت کند؟

خواهرم، هرگز فراموش نکن که خداوند مهربان و حکیم همیشه خیر و سعادت بندگانش را میخواهد و هیچ تکلیف الهی بدون حکمت نیست. خواه ما آن را بفهمیم خواه نه. این دستور خداوند هم حکمتهایی دارد که این موارد میتواند بخشی از آنها باشد :

الف : تمرین کمالات

نماز علاوه بر آثار و برکات فراوانی که دارد تمرین کمالات است.

در نماز ما ارزشهایی مانند اخلاص، خضوع و خشوع در مقابل پرودگار، ذکر، قرآن، دعا و به فکر همه بودن را تمرین میکنیم. پس نماز مجموعهای از کمالات و ارزشهاست و از آنجا که پوشش بانوان از نظر خداوند و در قرآن کریم ارزش و کمال زن محسوب میشود، این کمال هم هر روز و در کنار سایر کمالات تمرین و یادآوری میشود.

ب : اعلام آمادگی برای طاعت و بندگی .

فرمانده لشگری به سربازان و سپاهیان خود میگوید،

یک سـرباز منظم و وظیفه شـناس بایـد همیشه در محیط پادگان با لباس فرم و پوتین حضور یابد. حال تصور کن اگر یکی از سربازان بخواهـد با فرمانـده ملاقات کنـد، هنگامیکه به دفتر فرمانده وارد میشود (فرض کن این دفتر در خارج از پادگان و در ساختمانی دیگر باشد) با لباس فرم و پوتین درا ین ملاقات حاضـر شود، با عمل خود به فرمانده اعلام کرده است که من دستور شما را اطاعت میکنم. پس گاهی کیفیت و شکل حضور گویای حقیقتی است، هر چند آن حقیقت به زبان جاری نشود.

یک خانم مسـلمان و معتقد و متعهد هم وقتی با پوشـش خدا پسـند در ملاقات با خداوند حاضر میشود برای اجرای این دستور حکیمانه خداوند اعلام آمادگی و رضایت نموده است.

سخن آخر :

خواهرم در پایـان از تو تقاضا دارم در آنچه برایت نوشـتهام انـدیشه کن و دربارهی این نکته بیشتر فکر کن که دنیا فانی است، جوانی و جلوههای آن با سـرعت میگذرد. چه بسـیار پریرویانی که بر سـر ازدواج با آنان رقابتها و درگیریها و مسابقهها بود اما سالیـان سال است که آنچهرههای زیبا در زیر خاک آرمیـده و چه بسا جز مشتی اسـتخوان از آنان چیزی نمانـده باشـد و آنچه باقی مانده، صرفاً عمل آنان و چگونگی استفادهی ایشان از نعمت زیبایی و سلامتی است.

ص:۴۳

یـادت هست وقتی مـدرسه میرفتیم چه ذوق و شوقی داشتیم؟ در روزهای جشن و اعیاد بچههای هر کلاس، کلاس خودشان را آذیـن میبسـتند، هر کسـی جـایی برای خـود در کلاس داشت، یکی به دیگری میگفت جـای من کنـار پنجره است و منظرهی باغچه حیاط را میبینم، آن دیگری فخر میفروخت که من در نزدیکترین نیمکت به معلم مینشینم و ...

اما سالیان سال است که دیگر ما دانش آموز آن کلاس و آن مدرسه نیستیم و نه نیمکتی داریم و نه کلاسـی، و تنها آنچه از ما در آن مدرسه باقی است پروندهها و نمرههای ماست.

خواهرم، زیبایی، جوانی، مورد توجه بودن، سرآمد بودن و همهی زیباییهای دنیا به سرعت میگذرد و فقط نمرهی هر کسی در مدرسه دنیا و بهرهی هر کسی از بازار دنیا در پروندهی او باقی است.

گفتم بازار، به یادم آمد این سخن زیبای امام دهم امامهادی علیه السلام که میفرماید : «دنیا بازاری است که برخی در آن سود می برند و گروهی زیان.»

آری، این حقیقت قابل انکار نیست که دنیا بازاری است، هر روز جمعی داخل این بازار و جمعی از آن خارج میشوند، عدهای با سرمایهی عمر بهترین کالاها را که علم و عمل و جلب رضای پروردگار است ازا ین بازار

میخرند و با دست پر از آن خارج میشوند و عدهای سرمایهها از کف داده و سودی نبرده، با دست خالی از این بازار میروند.

پس همانگونه که هنگام خرید پارچه وقتی دو پارچه عرضه میشود آنها را مقایسه میکنی و ویژگیهای هر دو را در نظر میگیری و در نهایت هر کدام را با صرفهتر یافتی برمیداری، در بین کارها هم باید این مقایسه را انجام دهی و هر کدام سودمندتر است آن را برگزینی.

در پایان این نامه و به عنوان خلاصهی نامه آثار رعایت پوشش و عدم آن را فهرستوار یادآوری میکنم؛ آنها را با هم مقایسه کن و با استمداد از خداوندِ قادرِ مهربان راه ثواب و صواب را انتخاب کن.

ص:۴۵

پیامدهای

رعایت پوشش

عدم رعایت پوشش

۱- رضـــــایت خداوند

۲- مورد توجه اولیاء خدا واقع شدن

۳- نا امیـــــــــد شدن شیطان

۴- تقویت اراده و تسلط بر نفس

۵- امنیت فردی و اجتماعی

۶- کمک به حفظ سلامت جامعه

۷- کمک به حفظ نظام خانواده و گرمی آن

۸- آرامش روحـی در اثر اطاعت از پروردگار

۹- کمک به رشد فرهنگ و اقتصاد جامعه

۱۰- تثبیت ارزش و حرمت واقعی زن در جامعه

۱۱- مجری حکـــــم قرآن شدن

۱۲- شریک جرم دیگران نبودن

۱۳- تشویق دیگـــران در رسیدن به ارزشها

۱۴- دعای خیر خـوبان را پشت سر داشتن

۱- ناخشنودی پروردگار

۲- مورد توجه افراد غافل و خطاکار واقع شدن

۳- امیدوار نمودن شیطان

۴- تضعیف اراده در اثر اطاعت از هوای نفس

۵- به خطر انداختن خود و دیگران

۶- از بین بردن سلامت معنوی جامعه

۷- سرد ش___دن روابط و به خط__ر افتادن نظام خانواده

۸- افزایش تن___ش و نگرانی

۹- تضعیف قوهی فرهن___گی و اقتصادی جامعه

۱۰- کم کردن ارزش و حرمت زن

۱۱- مجری نقشههای بداندیشان و شیّادان قرار گرفتن

۱۲- مشارکت در جرم و خطای دیگران

۱۳- دور کردن دیگران از ارزشها

۱۴- محرومیت از دعای خیر خوبان

ص:۴۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹